هو العلیم

توسل به امام زمان علیه السلام و حقیقت انتظار فرج

حضرت علامه آیت اللَه حاج سید محمد حسین حسینی طهرانی

امام شناسی، جلد 5

 بسم اللَه الرحمن الرحیم

 مقاله پیش رو گزیده ایست از فرمایشات حضرت علامه آیت اللَه حاج سید محمد حسین حسینی طهرانی در کتاب امام شناسی در ارتباط با توسل به امام زمان علیه السلام و حقیقت انتظار فرج

## لزوم توسل به امام علیه السلام به منظور رفع حجاب های ظاهری و باطنی

مجالس‌ و محافل‌ توسّل‌ به‌ حضرت‌ وليّ عصر بسيار خوب‌ است‌؛ ولی توسّلی که‌ مطلوب‌ و منظور از آن‌ حقّ باشد؛ وصول‌ به‌ حقّ باشد؛ رفع‌ حجب‌ ظلمانی و نورانی باشد؛ کشف‌ حقيقت‌ ولايت‌ و توحيد باشد؛ حصول‌ عرفان‌ إلهی و فناء در ذات‌ اقدس‌ او باشد. اين‌ مطلوب‌ و پسنديده‌ است‌. و لذا انتظار فرج‌ که‌ حتّی در زمان‌ خود أئمّه‌ عليهم‌ السّلام‌ از بزرگترين‌ و با فضيلت‌ترين‌ اعمال‌ محسوب‌ میشده‌ است‌. همين‌ بوده‌ است‌.

توسّل‌ به‌ حقيقت‌ ولايت‌ آن‌ حضرت‌ برای کشف‌ حجاب‌ های طريق‌، از افضل‌ اعمال‌ است‌؛ زيرا توحيد حقّ از افضل‌ اعمال‌ است‌. و انتظار ظهور خارجی آن‌ حضرت‌ نيز بواسطۀ مقدّميّت‌ بر ظهور باطنی و کشف‌ ولايت‌ آن‌ حضرت‌ همچنين‌ مفيد است‌؛ و انتظار ظهور خارجی بر اين‌ اصل‌ محبوب‌ و پسنديده‌ است‌.

و امّا چنانچه‌ فقط‌ دنبال‌ ظهور خارجی باشيم‌، بدون‌ منظور و محتوای از آن‌ حقيقت‌؛ در اين‌ صورت‌ آن‌ حضرت‌ را به‌ ثَمَنِ بَخْسی فروخته‌ايم‌؛ و در نتيجه‌ خود ضرر بسياری ديده‌ايم‌؛ زيرا مراد و مقصود، تشرّف‌ به‌ حضور طبيعی نيست‌؛ و گرنه‌ بسياری از افراد مردم‌ در زمان‌ حضور امامان‌ به‌ حضورشان‌ میرسيده‌اند؛ و با آنها تکلّم‌ و گفتگو داشته‌اند؛ ولی از حقيقتشان‌ بیبهره‌ بوده‌اند. اگر ما در مجالس‌ توسّل‌، و يا در خلوت‌ به‌ اشتياق‌ لقای او بوده‌ باشيم‌؛ و خداوند ما را هم‌ نصيب‌ فرمايد، اگر در دلمان‌ منظور و مقصود، لقای خدا و حقيقت‌ ولايت‌ نباشد، در اين‌ صورت‌ به‌ همان‌ نحوی به‌ خدمتش‌ مشرّف‌ میگرديم‌ که‌ مردم‌ در زمان‌ حضور امامان‌ به‌ خدمتشان‌ مشرّف‌ میشده‌اند؛ و اين‌ غَبنی است‌ و ضرری است‌ بزرگ‌ که‌ با جِدّ و جَهد و با کدَ و سعی ما به‌ محضرش‌ شرفياب‌ شويم‌، و مقصدی والاتر و بالاتر از ديدار ظاهری نداشته‌ باشيم‌ ـ که‌ در حقيقت‌ اين‌ ديدار برای رفع‌ شک‌ و شبهه‌ از وجود آن‌ حضرت‌ و طول‌ عمر است‌ ـ يا آن‌ حضرت‌ را برای حوائج‌ مادّيّه‌ و يا رفع‌ گرفتاريهای شخصی و يا عمومی استخدام‌ کنيم‌؛ اين‌ امری است‌ که‌ بدون‌ زحمت‌ توسّل‌ برای همۀ افراد زمان‌ حضور امامان‌ عليهم‌ السّلام‌ حاصل‌ بوده‌ است‌.

ولی آنچه‌ حقّا ذی قيمت‌ است‌، تشرّف‌ به‌ حقيقت‌ و وصول‌ به‌ واقعيّت‌ آنحضرت‌ است‌. اشتياق‌ به‌ ديدار و لقای اوست‌ از جهت‌ آيتيّت‌ حضرت‌ حقّ سبحانه‌ و تعالی؛ اين‌ مهمّ است‌؛ و اين‌ از افضل‌ اعمال‌ است‌؛ و چنين‌ انتظار فرجی زنده‌ کنندۀ دل‌ها و راحت‌ بخش‌ روان‌ ها است‌ ؛ رَزَقَنَا اللَه وَ ايَاکمْ إنشَاَاللَه بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.

دانستن‌ زمان‌ ظهور خارجی برای ما چه‌ قيميتی دارد ؟ و لذا در اخبار از تفحُّص‌ و تجسّس‌ در اين‌ گونه‌ امور نهی شده‌ است‌.

## هدف از ظهور تهذیب نفس می باشد

شما فرض‌ کنيد: ما با علم‌ جَفْر و رَمْل‌ صحيح‌ به‌ دست‌ آورديم‌ که‌ ظهور آن‌ حضرت‌ در يک‌ سال‌ و دو ماه‌ و سه‌ روز ديگر خواهد بود. در اين‌ صورت‌ چه‌ میکنيم‌ ؟ وظيفۀ ما چيست‌ ؟ وظيفۀ ما تهذيب‌ و تزکيه‌ و آماده‌ کردن‌ نفس‌ امارّه‌ است‌ برای قبول‌ و فداکاری و ايثار.

ما هيمشه‌ مأمور بدين‌ امور هستيم‌؛ و پيوسته‌ بايد در صدد تهذيب‌ و تزکيۀ نفس‌ و تطهير خاطر برآئيم‌؛ چه‌ ظهور آن‌ حضرت‌ در فلان‌ وقت‌، مشخّص‌ باشد و يانباشد؛ وا گر در صدد برآمديم‌ موفّق‌ به‌ لقای حقيقی او خواهيم‌ شد؛ و اگر در صدد نبويدم‌، لقای بدن‌ عنصری و مادّی آن‌ حضرت‌ برای ما اثر بسياری نخواهد داشت‌؛ و از اين‌ لقاء هم‌ طَرْفی نخواهيم‌ بست‌.

فلهذا میبينيم‌ بسياری از افرادی که‌ اربعين‌ها در مسجد سهله‌ و يا در مسجد کوفه‌ و يا بعضی از اماکن‌ متبرّکۀ ديگر برای زيارت‌ آن‌ حضرت‌ مقيم‌ بوده‌، و به‌ زيارت‌ هم‌ نائل‌ شده‌اند، چيز مهمّی از آن‌ زيارت‌ عائدشان‌ نشده‌ است‌.

و آنچه‌ از همه‌ ذکرش‌ لازمتر است‌، آن‌ است‌ که‌: ظهور خارجی و عمومی آن‌ حضرت‌ هنوز واقع‌ نشده‌ است‌؛ و منوط‌ و مربوط‌ به‌ اسباب‌ و علائمی است‌ که‌ بايد تحقّق‌ پذيرد، ولی ظهور شخصی و باطنی برای افراد ممکن‌ است‌، و به‌ عبارت‌ ديگر: راه‌ وصول‌ و تشرّف‌ به‌ خدمتش‌ برای همه‌ باز است‌، غاية‌ الامر نياز به‌ تهذيب‌ اخلاق‌ و تزکيه‌ نفس‌ دارد.

هر کس‌ امروز در صدد لقای خدا باشد، و در راه‌ مقصود به‌ مجاهده‌ پردازد؛ بدون‌ شک‌ ظهور شخصی و باطنی آن‌ حضرت‌ برای او خواهد شد؛ زيرا لقای حضرت‌ حقّ بدون‌ لقای آيتی و مرآتی آن‌ حضرت‌ صورت‌ نپذيرد.

## راه لقای امام زمان عليه السلام باز است

و محصّل‌ کلام‌ آن‌ است‌ که‌: امروزه‌ را تشرّف‌ به‌ حقيقت‌ ولايت‌ آن‌ حضرت‌ باز است‌؛ و مهم‌ هم‌ همين‌ است‌؛ ولی نياز به‌ مجاهدۀ با نفس‌ امّاره‌ و تزکيۀ اخلاق‌ و تطهير باطن‌ دارد، و محتاج‌ به‌ سير و سلوک‌ در راه‌ عرفان‌ و توحيد حضرت‌ حقّ است‌ سبحانه‌ و تعالی، خواه‌ ظهور خارجی و عمومی آن‌ حضرت‌ نيز به‌ زودی واقع‌ گردد، يا واقع‌ نگردد.

زيرا خداوند ظالم‌ نيست‌؛ و منع‌ فيض‌ نمیکند؛ و راه‌ وصول‌ را برای افرادی که‌ مشتاقند نبسته‌ است‌.

اين‌ دَر پيوسته‌ باز است‌؛ و دعوت‌ محبّان‌ و مشتاقان‌ و عاشقان‌ را لبيّک‌ میگويد.

بنابراين‌ بر عاشقان‌ جمال‌ الهی و مشتاقان‌ لقای حضرت‌ او جلّ و علا، لازم‌ است‌ که‌ با قدم‌های متين‌ و استوار در راه‌ سلوک‌ عرفان‌ حضرت‌ بکوشند، و با تهذيب‌ و تزکيه‌، و مراقبۀ شديد، و اهتمام‌ در وظائف‌ الهيه‌، و تکاليف‌ سبحانيّه‌، خود را به‌ سر منزل‌ مقصود نزديک‌ کنند. که‌ خواهی نخواهی در اين‌ صورت‌ از طلعت‌ مُنير امام‌ زمان‌ و قطب‌ دائرۀ امکان‌ که‌ وسيلۀ فيض‌ و واسطۀ رحمت‌ رحمانيّه‌ و رحيميّۀ حق‌ است‌ بهره‌مند و کامياب‌ میگردند؛

و از هر گونه‌ راههای استفاده‌ برای تکميل‌ نفوس‌ خود متمتّع‌ میشوند؛ و از جميع‌ قابليّت‌های خدادادی خود برای به‌ فعليّت‌ درآوردن‌ آنها برای وصول‌ به‌ منزل‌ کمال‌ بهره‌ میگيرند.

وَفَّقَّنَا اللَه تَعَالَی وَ ايّاکم‌ بِمُحَمَّد وَآلِهِ صَلَّی اللَه عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ.

در اينجا بايد سه‌ نکته‌ را در نظر داشته‌ باشيم‌:

اوّل‌ آنکه‌: غيبت‌ آن‌ حضرت‌ از جانب‌ ماست‌ نه‌ از جانب‌ ايشان‌ يعنی ما به‌ واسطۀ گناه‌ و انانيّت‌ و استکبار، خود را از زيارتش‌ محروم‌ داشته‌ايم‌ نه‌ آنکه‌ ايشان‌ خود را مهجور و مختفی میدارند، و به‌ عبارت‌ ديگر او از ما غئب‌ است‌ و ما از او غائب‌ نيستيم‌.

نکتۀ دوّم‌ آنکه‌: قدرت‌ و علم‌ و احاطه‌ و سيطرۀ آن‌ حضرت‌ به‌ امور، متوقّف‌ بر زمان‌ ظهور نيست‌ بطوريکه‌ قبل‌ از ظهور فاقد آن‌ باشند و پس‌ از ظهور واجد شوند، بلکه‌ در هر دو حال‌ هيمنه‌ و سيطره‌ و احاطۀ تکوينيّه‌ که‌ لازمۀ ولايت‌ کليّه‌ است‌ با آن‌ حضرت‌ است‌؛ ولی قبل‌ از ظهور اين‌ مطلب‌ از انظار مردم‌ و از ادراک‌ عقول‌ و نفوس‌ پنهان‌ است‌؛ و پس‌ از ظهور آشکار میشود.

نکتۀ سومّ آنکه‌: قدرت‌ عمليّه‌ و گسترش‌ علميّه‌ و احاطۀ تکوينيّۀ آن‌ حضرت‌ به‌ امور، منحصر در کارهای خير و برّ و احسانی که‌ به‌ نظر ما خير است‌ نيست‌؛ بلکه‌ هيمنه‌ و سيطرۀ بر تمام‌ امور است‌ از خيرات‌ و شرور؛ و به‌ طور کلّی بر هر عمل‌ و بر هر فعل‌ و بر هر موجودی از موجودات‌، زيرا که‌ بر اساس‌ نظام‌ کليّ عالم‌ تکوين‌، عالم‌ سراسر خيرات‌ است‌ و أبداً شرّی وجود ندارد، شرّ امر عَدَمی است‌ و از خدا نيست‌ و از وليّ خدا هم‌ نيست‌؛ و الشّر لَيسَ إلَيک‌.

إذَا سَفَرَتْ فِی يَومِ عِيدٍ تَزَاحَمَتْ \*\*\* عَلَی حُسنِيهَا أبصَارَ کلِّ قَبِيلَة‌

فَأروَاحُهُمْ تَصْبُو لِمَعْنَی جِمَالِهِا \*\*\* وَ أحْدَ اقُهُم‌ مِن‌ حُسْنِهَا فِی حَدِيقَة‌

وَ عِندِی عِيديِ کلُ يَومٍ أرَی بِهِ \*\*\* جَمَالَ مُحَيَّاهَا بِعَينٍ قَرِيَرة‌

وَ کلُّ اللَّيالِی لَيْلَةُ القَدْرِ إن‌ دَنَت‌ \*\*\* کمَا کلُّ ايَّامِ اللِّقا يَوْمُ جُمَعةِ

وَ سَعْيِی لَهَا حَجُّ بِهِ کلُّ وِقْفَة \*\*\* عَلَی بَابِهَا قَدْ عَادَلَتْ کلَّ وَقْفَة‌

وَ أيُّ بِلَادِ حَلَّتْ بِهَا فَمَا اَرَاهَا، \*\*\* وَ فِی عَيْنِی حَلَتْ، غَيْرَ مَکةِ

وَ أَيُّ مَکانٍ ضَمَّهَا حَرَمٌ کذَا \*\*\* أرَی کلَّ دَارٍ أوْ طَنَتْ دَارَ هِجْرَة‌

وَ مَا سَکنَتْهُ فَهُوَ بَيْتٌ مُقَدَّسٌ \*\*\* بِقُرَّةِ عَيْنِی فِيهِ اَحْشَايَ قَرَّت‌

وَ مَسْجِديَ الاقْصَی مَسَحِبُ بُرْدِهَا \*\*\* وَ طِيبی ثَرَی أرْضٍ عَلَيْهَا تَمَشَّيتِ

نَهَارِی أصِيلٌ کلُّهُ إن‌ تَنَسَّمَتْ \*\*\* أوَائِيلُهُ مِنهَا بِرَدِّ تَحِيَّتِی

وَلَيْلِيَ فِيهَا کلُّهُ سَحَرُّا إذَا \*\*\* سَرَی لِيَ مِنهَا فِيهِ عَروفٌ نُسَيْمَةِ

وَ إنْ طَرَقَتْ لَيْلا فَشَهْرِيَ کلُّهُ \*\*\* بِهَا لَيْلَةُ القَدْرِ ابْتِهَاجاً بِزَورَةِ

وَ إن‌ قَرُبَت‌ دَارِی فَعَامِيَ کلُّهُ \*\*\* رَبِيعُ اعْتِدَالٍ فِی رِياضٍ أرِيضَةِ

وَ إن‌ رَشِيَتْ عَنِّی فَعُمْرِيَ کلُّهُ \*\*\* زَمَانُ الصَّبَا طِيباً وَ عَصْرُ الشَّبِيَة‌[[1]](#footnote-1)

١ ـ چون‌ در روز عيدی پرده‌ از رخ‌ برگيرد، آنقدر زيباست‌ که‌ برای تماشای جمالش‌ ديدگان‌ تمام‌ قبيله‌ها با هم‌ تزاحم‌ کنند.

٢ ـ و بنابراين‌ أرواح‌ مردم‌ آن‌ قبائل‌ برای ادراک‌ معنای جمال‌ او به‌ سوی او روا آورده‌ و مشتاقانه‌ بدو بگروند، و ديدگان‌ مردم‌ آن‌ قبائل‌ از تماشای زيبائيهای او در باغ‌ و لاله‌زار و در تنعّم‌ به‌ سر میبرند.

٣ ـ و در نزد من‌، عيد من‌ آن‌ روزی است‌ که‌ چهرۀ زيبای او را با چشم‌ تازه‌ و روشن‌ ببينم‌.

٤ ـ و تمام‌ شبهای من‌ شب‌ قدر است‌، اگر او به‌ من‌ نزديک‌ شود، همچنانکه‌ تمام‌ روزهای من‌ ديدار و ملاقات‌، روز عيد و جمعۀ من‌ است‌.

٥ ـ و حرکت‌ من‌ به‌ سوی او حجّی است‌ که‌ برای او کرده‌ام‌. و هر وقوفی بر در خانه‌اش‌، معادل‌ هر وقوفی در مناسک‌ حجّ است‌.

٦ ـ و اگر در شهری از شهرهای خدا وارد شود، در حالی که‌ او در چشم‌ من‌ وارد شده‌ است‌، من‌ آن‌ شهر را غير از مکه‌ نمیبينم‌.

٧ ـ و هر مکانی که‌ او را در برگيرد حرم‌ است‌؛ همچنين‌ هر خانه‌ای که‌ او در آنجا سکونت‌ گزيده‌ است‌، خانۀ هجرت‌ است‌.

٨ ـ و هر جائی که‌ او در آنجا ساکن‌ شود، آنجا بيت‌ مقدس‌ است‌؛ و به‌ جهت‌ روشنی و تازگی چشم‌ من‌ در آنجا همۀ باطن‌ و احشای من‌‌تر و تازه‌ میگردد.

٩ ـ و مسجد الاقصای من‌ محلّکشيده‌ شدن‌ بُرد و ردای اوست‌ بر روی زمين‌، و عطر و گلاب‌ من‌ خاک‌ آن‌ زمينی است‌ که‌ او از روی آن‌ عبور کرده‌ است‌.

١٠ ـ اگر در اوائل‌ روز، او جواب‌ سلام‌ و تحيّت‌ مرا بدهد، تمام‌ روز من‌ همچون‌ عصر با فرح‌ و سرور خواهد بود.

١١ ـ و اگر در شبی بر من‌ عبور کند و از بوی نسيم‌ او به‌ مشام‌ من‌ برسد آن‌ شبِ من‌ همه‌اش‌ همچون‌ سحر وقت‌ زنده‌ و بيداری و نَباهت‌ است‌.

١٢ ـ و اگر شبی بر من‌ وارد شود، به‌ واسطۀ آن‌ ورود، تمام‌ آن‌ ماه‌ من‌ از شدّت‌ ابتهاجِ آن‌ ديدار يک‌ شبه‌ و زيارت‌ او در حکم‌ ليلة‌ القدر من‌ است‌.

١٣ ـ واگر به‌ خانۀ من‌ نزديک‌ شود، تمام‌ دوران‌ سالِ من‌ مانند فصل‌ معتدل‌ بهاری ميشود که‌ در باغهای چشم‌ انگيز و با طراوت‌ پيوسته‌ به‌ تنزّه‌ و تتعُم‌ مشغولم‌.

١٤ ـ وا گر از من‌ راضی شود، تمام‌ عمر من‌ از نقطۀ نظر پاکی و پاکيزگی همچون‌ ايّام‌ صباوت‌ و دوران‌ جوانی خواهد بود[[2]](#footnote-2)

1. ديوان‌ ابن‌ فارض‌ تائيۀ کبری، أبيات‌ ٣٥٣ به‌ بعد، ص‌ ٨٠ و ص‌ ٨١. [↑](#footnote-ref-1)
2. امام شناسی ج ٥ ، ص ١٩٠. [↑](#footnote-ref-2)